

## واکاوی توبه در ادعیه و روایات

تأیید: ۹۴/۰۲/۲۰

دریافت: ۹۳/۰۷/۲۳

سید محمد رضا آقاچانی \*

### چکیده

توبه در اصطلاح به معنای روی گردانی از گناه و بازگشت به سوی خداوند متعال است که از نظر شرعی، یک واجب فوری محسوب می شود. دلایل عقلی چندی نیز افزون بر ادله نقلی، برای اثبات وجوب توبه، ذکر شده است که عبارت اند از: «وجوب شکر منعم» و «لزوم دفع ضرر». اولین سببی که موجب توبه می گردد، احساس گناه و پشیمانی از آن است. توبه حقیقی همواره ملازم با این حس ندامت است. سبب دیگر نیز، جبران ضرر است. می توان گفت بهترین توبه در نزد خداوند، «توبه نصح» است؛ یعنی توبه ای که گناهکار در درون خود، پشیمان شود و با استغفار زبانی تصمیم بگیرد که گناه خود را تکرار نکند. همچنین نازل ترین نوع آن، توبه از ترس جهنم است. از فضائل توبه می توان به محبوبیت نزد خدا، تبدیل سیئات به حسنات، طول عمر و سعه عیش، مورد قبول و مورد بشارت بودن در مقابل پروردگار، و باز بودن درب توبه تا آخرین لحظات عمر اشاره کرد. این نوشتار افزون بر بررسی ادله عقلی توبه، در صدد بررسی شیوه های گوناگون توبه و بازگشت از گناه در ادعیه و روایات رسیده از ائمه معصومین علیهم السلام است.

### واژگان کلیدی

توبه، گناهکار، خدا، انسان، تائب.

## مقدمه

یکی از مشکلاتی که در راه تکامل انسان مطرح است، انجام گناه و بی راهه رفتن‌ها، از مسیر تکامل انسان است، زیرا سرشت او با گناه آمیخته است و همچنین فلسفه این دنیا اقتضا می‌کند که انسان مختار، توانایی ارتکاب به معاصی را داشته باشد. اما از آن جایی که رحمت، از صفات خداوند متعال است و سلب آن صفت از ایشان ممکن نیست، نمی‌توان تصوّر کرد که پروردگار راه و چاره‌ای برای آن نفس مرتکب، مقرر نکرده باشد. طبق آموزه‌های دینی راهی که خداوند برای بندگان خطاکار مقرر فرموده، «توبه» است. یکی از مسائل مهم این است که آن فرد خطاکار برای بازگشت به مسیر تکامل انسانی با چگونگی بازگشت و موانع احتمالی آن آشنا شود.

با توجه به اینکه توبه یک مقوله دینی است، مسلماً بهترین منبع برای شناخت آن، منابع اصیل دینی است. از این رو بر آن شدیم تا به تبیین این موضوع، با استفاده از قرآن، احادیث و ادعیه بپردازیم. مقوله توبه را می‌توان از دید علوم دیگر از جمله: جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز بررسی کرد اما در این پژوهش توبه از نگاه فقهی، آیات و احادیث بررسی شده است.

## مفهوم توبه

توبه از ماده (ت و ب) گرفته شده و معنای لغتی توبه: اصل واحد در این ماده رجوع از گناه و پشیمانی بر ارتکاب آن گناه است، و اما این معنی زمانی است که توبه به عبد نسبت داده می‌شود. و اگر توبه را به نسبت به خدای متعال در نظر بگیریم، که در این صورت با حرف علی استعمال می‌شود، به معنی رجوع همراه استیلاء و استیلاء می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰/۱: ۴۳۱).

توبه را در معنای اصطلاحی چنین تعریف می‌شود:

توبه به معنای پشیمانی بر معصیت و عزم بر ترک ارتکاب به آن گناه از آن زمان به بعد است و اگر چنین عزمی نداشته باشد کاشف بر عدم پشیمانی است (حسن زاده، ۱۴۳۲: ۵۶۶).

توبه لازمه رحمت، عطف و مغفرت رب متعال است که خواهان رستگاری تمامی بندگان است حتی آن‌هایی که روی برگنداده اند و به همین منظور راهی برای بازگشت آن‌ها قرار داده است.

## دلایل وجوب توبه

### الف) دلایل عقلی

#### ۱. وجوب شکر منعم

«توبه» متضمن شکر منعم است، زیرا نافرمانی و سرپیچی از دستورات الهی، مصداق بارز ناسپاسی و نافرمانی است و بهترین سپاس و شکرگزاری خداوند، انجام دستورات اوست و برای



بازگشتن به سپاس و شکر خداوند بایسته است که انسان توبه کند.

## ۲. لزوم دفع ضرر

حضرت علامه حسن زاده در کشف المراد چنین می‌آورد که: «أَنْهَا دَافِعَهُ لِلضَّرْرِ الَّذِي هُوَ الْعِقَابُ أَوْ الْخَوْفُ مِنْهُ وَدَفْعُ الضَّرْرِ وَاجِبٌ» (حسن زاده، ۱۴۳۲: ۵۶۶).

مسئلاً گناه، در سرای دیگریبه دنبال خود عذاب‌های دردناک و عقاب در بر خواهد داشت که توبه راه فرار و راه برگشت از گناه به سوی مسیر تکامل انسانی، و در نهایت رسیدن به وعده‌هایی است که خداوند به رستگاران داده است. هر شخص عاقلی، دفع ضرر را از خود واجب می‌داند. چه بسا که این ضررها عذاب‌های غیر قابل ادراک روز جزا باشد و عذاب‌هایی که وصف ابدیت از ویژگی‌های بارز آن‌ها است. تنها راه دفع این ضرر توبه است که از سوی خداوند قرار داده شده.

## وجوب توبه در آیات و روایات

خداوند متعال پس از آنکه در سوره مبارکه نور، به زنان مؤمن سفارش می‌کند که در برابر نامحرمان خود را بپوشانند و زینت و زیورهای خود را تنها در برابر محارم خود به نمایش بگذارند، می‌فرماید: «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور/۳۱)؛ وای مؤمنان همگی به خدا بازگردید تا رستگار شوید.

در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (تحریم/۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا بازگردید بازگشتی به صدق و اخلاص امید است پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید و شما را به بهشت‌هایی درآرد که از زیر آن‌ها جوی‌ها روان است.

و در جایی دیگر خداوند در مورد کسانی که توبه آن‌ها پذیرفته می‌شود می‌فرماید: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء/۱۷).

معاویه بن وهب در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌گوید، از ایشان شنیدم که فرمودند: چون بنده توبه نصح خداوند او را دوست خواهد داشت و در دنیا و آخرت بر او پرده پوشی کند. من عرض کردم: چگونه بر او پرده پوشی کند؟ فرمودند: هرچه از گناهان را که دو فرشته موکل او برایش نوشته‌اند از یادشان ببرد و به جوارح و اعضای بدن او وحی کند که گناهان او را پنهان کنید و به قطعه‌های زمین که در آنجا گناه کرده وحی کند که گناهی را که بر روی شما انجام داده پنهان کنید. پس او خداوند را آن سان ملاقات می‌کند که هیچ چیز علیه او برانجام گناهی از سوی او شهادت نمی‌دهد (کلینی، ۱۴۲۶: ۱/۵۴۹).

## ب) دلایل فقهی

مراجع عظام و علمای فقهی توبه را واجب فوری دانسته‌اند. در این راستا از شیخ بهایی رحمه الله علیه در شرح اربعین منقول است:

شکی در وجوب فوری توبه نیست، زیرا گناهان مانند سم‌های مضر بدن است، چنانچه بر خورنده سم، واجب است در معالجه شتاب کند، تا بدنش هلاک نشود و از بین نرود، همچنین برگناه کار ترک گناه و سرعت در توبه واجب است تا دین اش ضایع نگردد، و گناه کاری که در توبه مسامحه کند و به وقت دیگری تأخیر اندازد، بین دو خطر بزرگ خود را قرار داده است، که اگر از یکی سالم بماند به دیگری مبتلا خواهد شد (دستغیب، ۱۳۸۷: ۳۹۵-۳۹۶).

## انواع توبه

### ۱. توبه حقیقی و مقبول (توبه نصوح)

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفِرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... » (تحریم ۸/)

کلمه «نصوح» از ماده نصح است که به معنای جست‌وجو بهترین عمل و بهترین گفتاری است که صاحبش را بهتر و بیشتر سود ببخشد، و دیگر معنایش معنای اخلاص است، مانند: «نصحت له الود» یعنی خالص کرد با او دوستی را (این معنا در الراغب آمده است). «توبه نصوح» آن توبه‌ای است که صاحبش را از بازگشت به معصیت منصرف می‌کند یا آن توبه‌ایست که عبد را برای بازگشت از گناه خالص می‌کند. پس او به سوی آنچه که از آن توبه کرده است رجوع نمی‌کند. (طباطبایی ۱۳۸۴: ۱۹/۳۹۶)

در کافی به استناد از ابی الصباح الكنانی که گفته است: از امام صادق علیه السلام از قول خداوند در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا» (تحریم ۸/) پرسیدم. فرمودند: «توبه می‌کند بنده از گناه سپس به آن گناه باز نمی‌گردد (کلینی ۱۴۲۶: ۱/۵۴۸).

در الدر المنثور از ابن مردویه از ابن عباس روایت کرده است که «معاذ بن جبل گفت: ای رسول خدا! توبه نصوح چیست؟ فرمودند: این است که پشیمان شود عبد از گناهی که انجام داده است و عذر بیاورد به خدا و سپس به سوی آن گناه بازگشت نکند همان طوری که شیر دوشیده شده دیگر به پستان برنمی‌گردد (طباطبایی ۱۳۸۴: ۱۹/۳۹۶).

### مقدمات توبه حقیقی و مقبول

مسلماناً «توبه نصوح» مقدماتی دارد که باید به آن پرداخت، اولین مورد از مقدمات توبه حقیقی و مقبول، لطف خداوند در هدایت انسان به سوی توبه است که در اینجا لازم به بررسی اجمالی در باب توایبیت خدای متعال است.

الف) اولین مورد از مقدمات توبه توابیت خداوند متعال است. در قرآن کریم یازده مرتبه نام تَوَاب آمده است، که برای نمونه به آن اشاره می‌گردد.

۱- هوالذی یوفق عبده للتوبة؛ تواب کسی است که بنده‌اش را برای توبه، موفق می‌کند. و از آیه «ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (توبه/ ۱۱۸)؛ اینچنین برداشت می‌شود که توبه به این معنا است که روی آوردن و بازگشت، اول از طرف خداوند است و بعد از آن عبد و تائب عظمت پروردگار و کثرت خطا و دوری‌اش از پروردگار را درک می‌کند و بعد از آن تائب، توبه می‌کند. پس توبه اول از سمت خداوند است و بعد به سوی خداست. توبه خداوند را «اقاله عن الذنوب» معنا کرده‌اند. «اقاله» از اصطلاحات فقهی، در معامله به کار می‌رود، یعنی پس گرفتن به طوری که طرف معامله، معامله را نادیده می‌گیرد و عذر طرف دیگر را پذیرفته و معامله را پس می‌گیرد. در اینجا به معنای نادیده گرفتن گناهان است. مولای متقیان علی علیه السلام در دعای کمیل می‌فرمایند: «وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ وَأَقْلَبِي عَثْرَتِي وَاغْفِرْ لِي» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

۲- الذی یقبل رجوع العبد الیه؛ او کسی است که توبه تائب را قبول می‌کند. همان‌طور که در آیه «غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهِي الْمَصِيرُ» (غافر/ ۳) اشاره شده است. در اینجا «تواب» به معنای صیغه مبالغه در قبول توبه است و بدین منظور است که خداوند تبارک و تعالی، هر زمان که بنده به سوی او برمی‌گردد و توبه می‌کند، توبه او را قبول می‌کند، هر چند معصیت و نافرمانی زیادی از او صادر شده باشد. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «كلما عاد المؤمن بالاستغفار والتوبة، عاد الله عليه لا مغفرة، و ان الله غفور رحيم، يقبل التوبة ويعفو عن السيئات، فإياك ان تقنط المؤمنين من رحمة الله»؛ هر زمان که مؤمن با استغفار و توبه به سوی خدا بازمی‌گردد، خدا با مغفرت و آمرزش به سوی او بازمی‌گردد و همانا خداوند غفور و رحیم است، که توبه را می‌پذیرد و سیئات و بدی‌ها را می‌بخشد، پس بر توباد که مؤمنین از رحمت الهی ناامید نشوند.

ب) دومین مقدمه یاد قیامت و عذاب‌های آن است که باعث ایجاد انگیزه توبه در شخص عاصی می‌گردد. حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در باب توبه چنین می‌فرمایند: و آن (توبه)، چنان صورت پذیرد که انسان، متذکر تأثیر معاصی در روح و تبعات آن در عالم برزخ و قیامت، از وجه معقول و منقول گردد (خمینی، ۱۴۳۲: ۲۷۵).

ج) سومین مورد از مقدمات آن، توبه کردن در ایام مخصوصه و مبارک است. از این رو که توبه خود نوعی دعا بشمار می‌رود، می‌توان در تمامی ایام و زمان‌هایی که برای دعا کردن سفارش شده و مطلوب شمرده شده است از زمان مناسب برای «توبه» محسوب نمود. مانند روز مبارک

جمعه، اوقات نیمه شب، سحرگاه و غیره.

د) چهارمین مورد از مقدمات توبه واقعی، توبه کردن در مکان‌ها و محل‌های سفارش شده است. در روایتی نقل شده: «انّ من الذّنوب ما لا یغفر الاّ بعرفة والمشعر الحرام و لیلة من لیالی الاحیاء» (غفاری ساروی، ۱۳۷۵: ص ۸۳)؛ برخی از گناهان فقط در این سه موقعیت بخشیده می‌شوند: عرفات مشعر الحرام و شبی از شبهای احیا.

### شرایط و آداب توبه حقیقی و مقبول

الف) پشیمانی

اول مورد از شرایط و آداب توبه حقیقی، «پشیمانی» است. توبه حقیقی باید همراه با پشیمانی باشد. پشیمانی‌ای که از جهت زشت بودن آن گناه، در نزد خدا باشد که خلاف میل و رضای خداوند است.

ب) عزم بر ترک آن گناه

دومین شرط، «عزم بر ترک آن گناه» است. کسی که خجل باشد از گناهی که در محضر خداوند انجام داده است، و زمانی که متوجه شد پرورش دهنده او، او را می‌بیند، بعد از پشیمانی از گناه سعی بر ترک آن گناه می‌کند تا خداوند متعال را از خود راضی کند. امام زین العابدین علیه السلام در مناجات سی و یکم صحیفه سجادیه، به این مطلب اشاره دارند: «اللهم إن ینک الندم توبه إلیک فأنا أندم النادمین، وإن ینک الترتک لمعصیتک إنا بة فأنا أول المنیبین، وإن ینک الاستغفار حطة للذنوب فإنی لک من المستغفرین»؛ خدایا! اگر پشیمانی توبه به درگاهت محسوب می‌شود، من از همه پشیمان‌ترم، و اگر ترک نافرمانی تو، بازگشت به سوی توبه حساب می‌آید، من نخستین بازگشت‌کننده‌ام، و اگر طلب آمرزش سبب ریختن گناهان است، من به درگاه تواز آمرزش خواهانم. و همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخنان گهربار خود می‌فرماید: «التوبه ندم بالقلب، واستغفار باللسان، وترک بالجوارح، و اضمار عن لا یعود». (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۵/۱: ۱۷۶)؛ توبه پشیمانی است به دل، و طلب آمرزش است به زبان، و ترک کردن است به اعضاء، و قصد عدم برگشت به معصیت می‌باشد.

ج) جبران ضررها

آیت الله دستغیب در کتاب گناهان کبیره، شرط دیگر را «جبران کردن ضررها» بیان می‌کند که اگر گناه، حق الله بوده است مانند ترک نماز و روزه، آن را بجا آورد و اگر حق الناس بوده و آن حق مالی است، آن را به صاحبش برگرداند، اگر مرده است به ورثه‌اش بدهد، اگر نمی‌شناسد از طرفش صدقه دهد. اگر حق عرضی است، حلالیت بطلبد و طرف را از خودش راضی کند. اگر حق قصاص یا دیه است، خود را تسلیم کند تا قصاص کنند، دیه بگیرند یا ببخشند. اگر

حق حدّ باشد، مانند قذف، باید تسلیم صاحب حق شود تا بر او اقامه حد شود، یا عفوش کند (دستغیب، ۱۳۸۷: ۳۸۷).

اما گناهایی که خداوند حد بر آن‌ها مقرر نداشته مانند زنا، واجب نیست که به آن نزد حاکم شرع اقرار کند تا بر او حد جاری نماید و همان پشیمانی از گناه و عزم بر ترک در آینده و سعی در استغفار کافی است. گناهان کبیره‌ای که حدی برایشان معین نشده نیز از این دست می‌باشند. مانند: استماع غنا و موسیقی. ناگفته نماند اگر در دنیا حد بر او جاری شود در آخرت قطعاً عقابی ندارد و اگر تنها به توبه قناعت کند، باید در قبولی توبه و سقوط عقاب، بین خوف و رجاء باشد (دستغیب، ۱۳۸۷: ۳۸۷). و ظواهر آیات و روایات پس از ندامت، استغفار واجب است یعنی از خداوند طلب مغفرت و آمرزش کند.

## ۲. توبه‌ای که بازگشت داده می‌شود

الف) توبه در هنگام مرگ

«وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كَفَارًا أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء/ ۱۸)؛ و پذیرش توبه، برای کسانی که کارهای زشت می‌کنند تا وقتی که مرگ یکی از آنان فرارسد، آن گاه می‌گوید: همانا الآن توبه کردم، نیست. و نیز برای آنان که کافر بمیرند، بلکه برای آنان عذاب دردناک مهیا کرده‌ایم.

۱. توبه در حال اختیار و آزادی ارزش دارد، نه در حال اضطرار یا مواجهه با خطر. «... إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ...» (نساء/ ۱۸)؛ اصرار بر گناه، توفیق توبه را از انسان می‌گیرد. کلمه «يَعْمَلُونَ» نشانه استمرار و کلمه «السَّيِّئَاتِ» به معنای تعدّد و تکرار گناه است.

۲. توبه را نباید به تأخیر انداخت. چون زمان مرگ معلوم نیست و توبه هنگام مرگ، پذیرفته نمی‌شود. «إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ...».

۳. هنگام خطر و مرگ، فطرت خداشناسی انسان آشکار می‌شود. «إِنِّي تُبْتُ الْآنَ».

۴. کافر مردن و بد عاقبتی، همه اعمال نیک و از جمله توبه را تباه و حبط می‌کند. «يَمُوتُونَ وَ هُمْ كَفَارًا». (قرآنی، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۵۹-۲۶۰).

ب) گناه غیر جاهلانه

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَىٰ اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (النساء/ ۱۷)؛ بی‌گمان (پذیرش) توبه بر خدا، برای کسانی است که از روی جهالت کار بد می‌کنند، سپس زود توبه می‌کنند. پس خداوند توبه آنان را می‌پذیرد و خداوند، دانا و حکیم است.

با توجه به آیه فوق، می‌توان فهمید کسی که گناهی را انجام دهد و به قصد توبه گناه کند، توبه

آن شخص پذیرفته نمی شود.

## آثار و فضائل توبه

الف) محبوبیت نزد خدا

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (آل عمران/ ۲۲۲)، همانا خداوند توبه کنندگان را دوست دارد.

ب) تبدیل گناه به حسنه

«يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا\* إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان/ ۶۹ و ۷۰)؛ روز قیامت عذابش دوچندان شود و در آن با سرشکستگی جاودانه ماند\* مگر آنان که توبه کنند و ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند، خداوند بدی هایشان را به نیکی تبدیل می کند و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

ج) سبب طول عمر و سعه عیش و رفاه است

«وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا يَمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى...» (هود/ ۳)؛ طلب آمرزش کنید از پروردگار و به سوی او برگردید، که اگر به سوی او توبه نمودید، شما را برخوردار کند از برخورداری نیک تا آخر عمرهایی که برای شما مقرر ساخته است.

د) توبه مورد قبول و بشارت خداوند است

و خداوند تبارک و تعالی قبول توبه را تضمین کرده است. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ» (شوری/ ۲۵)؛ و او کسی است که توبه را از بندگانش می پذیرد و گناهان را می بخشد و کاری که انجام می دهید می داند. و در روایت است که شخصی به رسول الله ﷺ گفت: آیا اگر گناهی انجام دهم برای من نوشته می شود؟ پیامبر ﷺ فرمودند: بله، شخص گفت: اگر توبه کنم چه؟ پیامبر ﷺ فرمودند: آن گناه محومی شود، شخص گفت: اگر بازگردم و گناه کنم چه؟ پیامبر ﷺ فرمودند: (دوباره) نوشته می شود. شخص دوباره گفت: اگر توبه کنم چه؟ فرمودند: آن گناه محومی شود، پرسش و پاسخ ادامه داشت تا اینکه آن شخص گفت: تا کی گناه محومی شود؟ فرمودند: همانا خداوند از مغفرت و آمرزش ملول و خسته نمی شود تا اینکه توبه از استغفار خسته شوی (نجیب، ۱۴۳۰: ۱۵۰/۱).

ه) باب توبه تا آخرین دم باز است

روایت نموده از معاویه بن وهب که گفت ما به مکه می رفتیم و همراه ما شیخی بود خداپرست. لکن مذهب شیعه را فرا نگرفته بود و در راه نماز را تمام می خواند (مانند مذهب



سنی عمل می نمود.) و برادرزاده اش که همراهش بود مذهب شیعه داشت. آن شیخ بیمار شد و من به برادرزاده اش گفتم کاش مذهب شیعه را به عموی خود پیشنهاد می کردی، شاید خدا او را نجات دهد. همه همراهان گفتند: بگذارید این شیخ به حال خود بمیرد که وضع خوبی دارد. برادرزاده اش تاب نیاورد و به عمویش گفت عموجان به راستی که مردم پس از رسول خدا همه مرتد شده اند به جز چند نفر و علی بن ابیطالب علیه السلام مانند خود رسول خدا حق اطاعت داشت و پس از رسول خدا، حق اطاعت از او بود. آن شیخ آهی کشید، ناله ای زد و گفت: من هم بر همین عقیده ام و جانم بر آمد و شرف یاب امام صادق علیه السلام شدم. علی بن سری این گزارش به امام صادق علیه السلام داد. امام صادق علیه السلام در پاسخ به او فرمودند: او مردی است از اهالی بهشت برین. علی بن سری گفت: چگونه آن مرد بهشتی است و حال آنکه از مذهب شیعه هیچ زمان سابقه نداشته است جز در همان ساعت مرگش. امام صادق علیه السلام فرمودند: دیگر از او چه می خواهید، به خدا سوگند به بهشت درآمده است (کلینی، ۱۴۲۶/۱: ۵۵۱).

### موانع توبه

از عواملی که مانع انجام توبه و بازگشتن به سوی خداوند متعال می شود، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. هوای نفس که مانع تعالی و پیشرفت و مانع رسیدن انسان به کمال است، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أعدى عدوِّك نفسك التي بين جنبتك» (مجلسی، ۱۳۸۳: ۶۴/۷۰)؛ سخت ترین دشمنان تو نفس توست که در درون خودت است.

کسانی که مرتکب گناه می شوند، به مکافات رفتار خود و حساب و کتاب در آخرت نمی اندیشند. بی شک تبعیت از هواهای نفسانی مانع بهره مندی آنان از رحمت نعمات و فیوضات الهی می گردند.

۲. آرزوهای طولانی؛ آرزوهای طول و دراز آن ها انسان را خیال پرداز بار می آورد و به انسان اجازه نمی دهد که لحظاتی به تفکر صحیح پردازد و به راه دور و دراز و سختی که در پیش دارد بیاندیشد؛ راهی که امیرمؤمنان علی علیه السلام در باره آن می فرماید: «أه من قلة الزاد، و طول الطريق، و بُعد السفر، و عظیم المورد» (شریف الرضی، ۱۳۹۰: ۴۵۴)؛ آه از کمی توشه و درازی راه و دوری سفر و سختی منزلگاه. در کتب و تحقیق های دیگر موانع دیگری را نیز برای توبه بر شمرده اند، از جمله: غفلت از مرگ، استدراج، غرور و ...

### نتیجه

هرچند خداوند منان، در سراسر آیات قرآن کریم اشارات و دستورهایی در مورد تقوا، خودسازی، یاد خدا و دوری از شیطان... برای تکامل انسان و رسیدن به سعادت ابدی و زندگی جاودانه به

مؤمنان داده است، اما از سوی دیگر بخاطر زندگی انسان در دنیای مادی و وجود دشمنانی چون نفس اماره، جهالت، شهوات، ... گاه پرده بر روی افکار انسان انداخته شده و در پی تبعیت از آنها و ارتکاب گناه و معاصی زمینه شکست و بدبختی او فراهم میشود. در این زمان است که خداوند حکیم برای نجات و رهایی، درب توبه و استغفار را به روی بندگان خویش گشوده و آنها را به پشیمانی و طلب بخشش دعوت میکند تا راه برای برگشت انسان فریب خورده باز باشد و با امید به رحمت الهی بار دیگر برای رشد و تعالی روح خویش سعی کند. خداوند با توجه به معنای صفت توانیت خود، به دنبال پیروزی تمام بندگان است، و خدای تعالی بنده اش را برای رجوع به خودش از میان بلاها و مصائب موفق می‌کند. اگر چنین نبود باب توبه را باز نمی‌ساخت. و باب توبه بر همه کس باز است و برای همه گناهان در هر اندازه که باشد. اگر خدایی ناکرده بنده ای به گناه مبتلا گردید باید خود را نجات دهد زیرا که عقل و شرع و منابع دینی ما بر آن حکم می‌کنند، و برای اینکه توفیق توبه و رسیدن به ثمرات پربرکت توبه برسیم باید از مظهر حق متعال، استعانت بطلبیم.

### کتابنامه

\*قرآن کریم.

\*تهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۹۰ ه. ش)، ترجمه محمد دشتی، قم:

علویون، چ یازدهم.

\*صحیفه سجادیه، ترجمه حسین استادولی، (۱۳۸۸ ش)، قم: الهادی، چ سوم.

۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۳۷۵ ش)، آیین بندگی و نیایش (ترجمه عدة الداعی)،

قم: بنیاد معارف اسلامی، چ اول، ج ۱.

۲. امام موسوی خمینی (ره)، سید روح الله، (۱۳۷۶ ش)، چهل حدیث، تهران: موسسه حفظ

و نشر آثار امام خمینی (ره).

۳. حسن زاده، حسن، (۱۴۳۲ ق)، کشف المراد (فی شرح تجرید الاعتقاد)، قم: موسسه النشر

الاسلامی، چ سیزدهم، ج ۱.

۴. دستغیب، سید عبدالحسن، (۱۳۸۷ ش)، گناهان کبیره، قم: مؤسسه مطبوغاتی دارالکتاب،

چ دوازدهم.

۵. شیخ الاسلامی، سید حسین، (۱۳۸۵ ش)، غررالحکم، قم: انصاریان، چ هفتم، ج ۱.

۶. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۴ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب

الاسلامیه، چ هفتم، ج ۱۹.

۷. قرائتی، محسن، (۱۳۸۰ ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز درس‌هایی از قرآن، چ دوم.

۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۸ ق)، اصول کافی، لبنان: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات /  
چ اول، ج ۱.
۹. مصباح، محمد تقی، (۱۳۹۰ ش)، سجاده سلوک، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، چ اول.
۱۰. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ ق)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، لبنان: نشر آثار علامه  
مصطفوی، چ سیزدهم، ج ۱.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۰ ش)، مفاتیح نوین، محمدرضا حامدی و مسعود مکارم، قم:  
انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ بیست و هشتم.
۱۲. نجیب محمد، سید حسین، (۱۴۳۰ ق)، موسوعه الاسماء الله الحسنی، لبنان: دار الحججه  
البيضاء، چ اول، ج ۲.